

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد



۲۰۲۴ / ۰۹ / ۰۵

نویسنده: ریچارد دی اولف «Richard D. Wolff»

ژباړونکی: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل»

## زوال امپراتوری ایالات متحده: همه ما را به کجا می برد؟

منبع اودخپړیدو نیټه: کریدل «02-09-2024»

Taking Us All? The Decline of the U.S. Empire: Where Is It



General Motors HQ, Detroit. Photo: Jeffrey St. Clair.

شواهد نشان می دهد که امپراتوری ها اغلب با گسترش بیش از حد مکانیسم های مقابله ای خودبه دوره های افول خود عکس العمل نشان می دهند. اقدامات نظامی، مشکلات زیرساختی و تقاضاهای رفاه اجتماعی ممکن است با هم ترکیب شوند یا با هم برخورد کنند و هزینه ها و اثرات متقابلی را انباشته کنند که امپراتوری رو به زوال نمی تواند آنها را مدیریت کند. سیاست‌هایی که هدفشان تقویت امپراتوری بود - و زمانی هم چنین بود - اکنون آن را تضعیف کرده است. تغییرات اجتماعی معاصر در داخل و خارج از امپراتوری می تواند افول را تقویت، کند یا معکوس کند. با این حال، زمانی که افول رهبران را به انکار وجود آن سوق دهد، می‌تواند خود شتاب بخش شود. در سال‌های اولیه امپراتوری‌ها، رهبران و رهبران ممکن است کسانی را که در میان خود تاکید می‌کنند یا حتی به زوال اشاره می‌کنند سرکوب کنند. مشکلات اجتماعی نیز ممکن است انکار شوند، یا به حداقل برسند، یا اگر پذیرفته شوند، به جای اینکه به زوال امپریا لیستی مرتبط شوند، به قربانیان مناسبت - مهاجران، قدرت های خارجی یا اقلیت های قومی - سرزنش شوند.

امپراتوری ایالات متحده، که با جسارت توسط دکترین **مونرو** بلافاصله پس از دو جنگ استقلال که بر علیه بریتانیا پیروز شد، اعلام شد، در طول قرن 19 و 20 رشد کرد و طی دهه های بین 1945 و 2010 به اوج خود رسید. ظهور امپراتوری ایالات متحده با افول بریتانیا همپوشانی داشت. امپراتوری اتحاد جماهیر شوروی چالش‌های سیاسی و نظامی محدودی را نشان می‌داد، اما هرگز رقابت یا تهدید جدی اقتصادی نداشت. جنگ سرد یک مسابقه بی طرف بود که نتیجه آن از ابتدا برنامه ریزی شده بود. تمام رقبا یا تهدیدات اقتصادی بالقوه امپراتوری ایالات متحده در جنگ جهانی دوم ویران شدند. سال‌های بعد اروپا را در حال از دست دادن مستعمرات خود دید. موقعیت جهانی منحصر به فرد ایالات متحده در آن زمان، با موقعیت نامتناسب آن در تجارت و سرمایه گذاری جهانی، غیرعادی و

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني دلیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولی

احتمالاً ناپایدار بود. نگرش انکار در آن زمان که افول کاملاً قطعی بود، اکنون که زوال به خوبی در حال انجام است، به آسانی به نگرش انکار تبدیل شد.

ایالات متحده نتوانست از نظر نظامی بر تمام کوریا در جنگ 1950-1953 خود در آنجا پیروز شود. ایالات متحده در جنگ های بعدی خود در ویتنام، افغانستان و عراق شکست خورد. اتحاد نا تو برای تغییر هر یک از این نتایج کافی نبود. حمایت نظامی و مالی ایالات متحده از اوکراین و جنگ تحریم های گسترده ایالات متحده و نا تو علیه روسیه تا به امروز شکست خورده است و احتمالاً همینطور باقی خواهد ماند. برنامه های تحریمی امریکا علیه کوبا، ایران و چین نیز شکست خورده است. در همین حال ، اتحاد بریکس با افزایش اثربخشی، با سیاست های ایالات متحده برای محافظت از امپراتوری خود، از جمله جنگ تحریم ها مقابله می کند.

در حوزه تجارت، سرمایه گذاری و امور مالی، ما می توانیم افول امپراتوری ایالات متحده را به گونه ای متفاوت اندازه گیری کنیم. یکی از شاخص ها کاهش ارزش دلار امریکا به عنوان ذخایر بانک مرکزی است. دیگری کاهش آن به عنوان وسیله ای برای تجارت، وام و سرمایه گذاری است. در نهایت، کاهش دلار امریکا در کنار کاهش دارایی های دلاری را به عنوان ابزار مورد نظر بین المللی برای نگهداری ثروت در نظر بگیرید. در سرتاسر جهان جنوب، کشورها، صنایع یا شرکت هایی که به دنبال تجارت، وام یا سرمایه گذاری بودند برای چندین دهه به لندن، واشنگتن یا پاریس می رفتند. آنها اکنون گزینه های دیگری دارند. آنها می توانند به جای آن به پکن ، دهلی نو یا مسکو بروند، جایی که اغلب شرایط جذاب تری دارند.

امپراتوری مزایای ویژه ای را به همراه دارد که به سودهای خارق العاده برای شرکت های مستقر در کشوری که بر امپراتوری تسلط دارد تبدیل می شود. قرن نوزدهم به دلیل رویارویی ها و مبارزات بی پایانش بین امپراتوری هایی که برای تسلط بر قلمرو و در نتیجه برای سود بیشتر صنایع خود رقابت می کردند، قابل توجه بود. افول هر یک از امپراتوری ها می تواند فرصت ها را برای امپراتوری های رقیب افزایش دهد. اگر دومی از آن فرصت ها استفاده کند، افول اولی می تواند بدتر شود. یک مجموعه از امپراتوری های رقیب دو جنگ جهانی را در قرن گذشتہ به ارمغان آورد. به نظر می رسد مجموعه دیگری به طور فزاینده ای به دنبال جنگ های جهانی بدتر و احتمالاً هسته ای در این قرن است.

قبل از جنگ جهانی اول، تئوری ها بی منتشر شد مبنی بر اینکه تکامل شرکت های چند ملیتی از شرکت های بزرگ ملی صرفاً خطرات جنگ را پایان می دهد یا کاهش می دهد. مالکان و مدیران شرکت هایی که به طور فزاینده ای جهانی می شوند ، علیه جنگ بین کشورها به عنوان یک بسط منطقی استراتژی های حداکثرسازی سودشان کار می کنند. دو جنگ جهانی قرن، ظاهر حقیقت این نظریه ها را تضعیف کرد. همچنین این واقعیت که شرکت های بزرگ چند ملیتی به طور فزاینده ای دولت ها را خریداری می کردند و سیاست های دولتی را تابع استراتژی های رشد رقابتی آن شرکت ها می کردند، نیز صادق بود. رقابت سرمایه داران حداقل به همان اندازه که برعکس بر سیاست های دولتی حاکم بود. از تعامل آنها، جنگ های قرن بیست و یکم در افغانستان، عراق، سوریه ، اوکراین و غزه پدید آمد. به همین ترتیب از تعامل آنها، تنش های فزاینده ایالات متحده و چین در اطراف تایوان و دریای چین جنوبی پدیدار شد. چین یک مشکل تحلیلی منحصر به فرد را ارائه می دهد. نیمی از نظام اقتصادی ترکیبی سرمایه داری خصوصی، الزامات رشدی را به موازات آن اقتصادهای آشفته نشان می دهد که در آن 90 تا 100 درصد شرکت ها از نظر سازمانی سرمایه دار خصوصی هستند. شرکت های دولتی و تحت مدیریت که نیمی دیگر از اقتصاد چین را تشکیل می دهند، انگیزه ها و انگیزه های متفاوتی از خود نشان می دهند. سود کمتر از بنگاه های سرمایه داری خصوصی است. به طور مشابه، حاکمیت حزب کمونیست بر دولت - از جمله تنظیم دولت بر کل اقتصاد چین - اهداف دیگری را به جز سود معرفی می کند، اهدافی که بر تصمیمات شرکتی نیز حاکم است. از آنجایی که چین و متحدان اصلی اقتصادی آن (BRICS) موجودیتی را تشکیل می دهند که اکنون با امپراتوری رو به زوال ایالات متحده و متحدان اصلی اقتصادی آن (G7) رقابت می کند، منحصر به فرد بودن چین ممکن است نتیجه ای متفاوت از درگیری های امپراتوری های گذشته داشته باشد. در گذشته، یک امپراتوری اغلب جایگزین امپراتوری دیگری می شد. این ممکن است آینده ما با تبدیل شدن به "چین" قرن حاضر باشد زیرا امپراتوری های قبلی امریکایی ، بریتانیایی و غیره بودند. با این حال، تاریخ چین شامل امپراتوری های قبلی است که رشد و سقوط کرده اند: یکی دیگر از ویژگی های منحصر به فرد. آیا گذشته چین و اقتصاد ترکیبی کنونی آن، چین را از

تبدیل شدن به یک امپراتوری دیگر و در عوض به سمت یک سازمان جهانی چندقطبی واقعی تحت تاثیر قرار می دهد؟ آیا رویاها و امیدها بی که در پس جامعه ملل و سازمان ملل وجود دارد، می توانند به واقعیت بپیوندند، اگر و زمانی که چین آن را محقق کند؟ یا اینکه چین به هژمون جهانی بعدی در برابر افزایش مقاومت ایالات متحده تبدیل خواهد شد و خطر جنگ هسته ای را نزدیک تر خواهد کرد؟ یک موازی تاریخی تقریبی ممکن است نور بیشتری را از زاویه ای متفاوت در مورد اینکه طبقه امپراتوری امروزی ممکن است به کجا هدا یت کند، روشن کند. جنبش به سوی استقلال مستعمره امریکای شمالی خود، بریتانیا را به اندازه کافی عصبانی کرد که برای متوقف کردن این جنبش دو جنگ (1775-83 و 1812-15) انجام داد. در هر دو جنگ شکست خورد. بریتانیا این درس ارزشمند را آموخت که همزیستی مسالمت آمیز با برخی برنامه ریزی ها و هماهنگی های مشترک، هر دو اقتصاد را قوی می سازد تا کار کنند و رشد کنند، از جمله در تجارت و سرمایه گذاری در هر دو طرف مرزها یشان. آن همزیستی مسالمت آمیز تا جایی گسترش می یابد که اجازه می دهد دسترسی امپراتوری یکی جای خود را به دیگری بدهد. چرا خط سیر مشابهی را برای روابط ایالات متحده و چین در نسل بعدی پیشنهاد نمی کنید؟ به جز ایدئولوگ های جدا از واقعیت، جهان آن را بر جایگزین هسته ای ترجیح می دهد. مقابله با دو پیامد عظیم و ناخواسته سرمایه داری - تغییرات آب و هوایی و توزیع نابرابر ثروت و درآمد - پروژه هایی را برای مشارکت ایالات متحده و چین ارائه می دهد که جهان آن را تحسین خواهد کرد. سرمایه داری پس از سال 1815 هم در بریتانیا و هم در ایالات متحده به طرز چشمگیری تغییر کرد. احتمالاً پس از سال 2025 دوباره این کار را خواهد کرد. فرصت ها به طرز جذابی بی پایان هستند.

این مقاله توسط اقتصاد برای همه، پروژه ای از موسسه رسانه مستقل تهیه شده است.

**سطری چند درمورد نویسنده این مقاله :**

ریچارد وولف نویسنده کتاب سرمایه داری به طرفداران ضربه می زند و بحران سرمایه داری عمیق می شود. او بنیانگذار دموکراسی در کار است

**با تقدیم احترامات «2024-09-09»**

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوئ. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکي په څیر و لولئ